فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان۱۳۹۵، صص ۸۰-۵۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۳

رسانه‌های ارتباطی نوین و تأثیر آن بر فرایند بیداری اسلامی در انقلاب تونس

علی دارابی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه سازمان صداوسیما

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۷ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۳

چکیده
به موازات تحولات سیاسی عراق و سوریه و از اواخر سال ۲۰۱۰ در جهان عرب و شمال آفریقا جریان‌هایی آغاز شده، که برخی از آن‌ها به وقوع انقلاب در کشورهایی مانند تونس، مصر، یمن و لیبی منجر شد و در برخی دیگر مانند بحرین و عربستان و بنوعی یمن، هنوز ادامه دارد. صاحب‌نظران و تحلیل‌گران در چگونگی شکل‌گیری این تحولات همبسته و پی در پی، عواملی متعدد از جمله نقش رسانه‌های ارتباطی و مجازی نوین، حرکت این جوامع به سوی فرآیند جهانی شدن، شکاف‌های اجتماعی- طبقاتی در کشورهای عربی، استبداد و نئوپاتریمونیالیسم حاکم برجهان عرب، آغاز روند دموکراسی‌خواهی مردم منطقه، خیزش موج بیداری اسلامی مردم ناراضی این کشورها از به حاشیه رانده شدن دین و تضییع حقوق دینی آن‌ها توسط حاکمیت و ناکارآمدی سیستم‌های سیاسی مستقر را برشمرده‌اند. یکی از نقاط مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های ارتباطی و الکترونیکی نوین یعنی ماهواره و محیط‌های مجازی الکترونیکی، مانند شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌های تلفنی و... در شکل‌گیری آنهاست. در پرتو رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی مجازی، ارتباطات افقی شکل می‌گیرد و به گفته کاستلز میان بخش‌های گوناگون جامعه به شکل افقی پیوند ایجاد می‌شود. «قدرت جریان‌ها» بر «جریان قدرت» پیشی می‌گیرد و شهروندان می‌توانند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، انحصارهای رسانه‌ای را از بین ببرند. اگرچه نمی‌توان این رسانه‌های نوین را عامل اصلی انقلاب دانست امّا آنچه مسلم است رسانه‌ها را در فرآیند وقوع این انقلاب‌ها از عوامل مهم و مؤثر برشمرده‌اند. رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان آلترناتیو قدرتمند برای سایر رسانه‌ها در رابطه سه گانه مخاطب، رسانه و جامعه مطرح کرده‌اند؛ قدرتی که روز به روز در تزاید است. بررسی فرایند بیداری اسلامی در تونس و انقلاب رخ داده در این کشور نشان می‌دهد یک جوان معترض مصری و انقلابیون معترض توانستند با بهره گیری از شبکه‌های اجتماعی نوین در عرض کمتر از دوماه طومار حکومت ۲۳ ساله بن علی را در هم بپیچند و مکتب خودسوزی فیس بوکی را بنا کنند. این حرکت با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بازتولید و منتشر شد و این آغاز راه انقلاب‌هایی بود که به نام‌های «ویکی انقلاب»، «انقلاب فیس بوکی»، «انقلاب توئیتری»، «انقلاب آنلاین»، «انقلاب رسانه‌ای» و «انقلاب لب‌تاب‌ها» نامیده شدند. تحقیق حاضر با هدف واکاوی نقش رسانه‌های ارتباطی نوین در انقلاب تونس و با بهره گیری از متدولوژی توصیفی - تحلیلی و از طریق منابع کتابخانه‌ای، سعی دارد این مهم را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های الکترونیکی نوین، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات، انقلاب تونس، بیداری اسلامی.

1.drdarabi_ali@yahoo.com

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

جهان عرب طی تحولات بیداری اسلامی اعتراضات بی سابقه‌ای راتجربه کرده است. برکناری زین العابدین بن علی رئیس جمهوری تونس، کناره گیری حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر، سرنگونی رژیم ٤٢ ساله قذافی و کشته شدن او و همین طور کناره گیری علی عبدالله صالح رئیس جمهوری یمن از قدرت اوج این تحولات بوده ، جنگ داخلی بخش‌هایی از سوریه را فرا گرفته و بحرین کماکان دستخوش ناآرامی است. آنچه تا به حال رخ داده عمدتاً با پیشگامی جوانان عرب، کمک رسانه‌های اجتماعی نوین و حمایت وسیع طبقه متوسط جدید و نوگرا صورت گرفته است. نقش مهم رسانه‌های اجتماعی در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا انکار ناپذیر است. فن آوری های جدید همچون «فیس بوک»[1]، «یوتیوب»[2]، «توییتر»[3] و «مای اسپیس»[4] از یکسو آگاهی مردم را افزایش داده و از سوی دیگر کمک چشمگیری به معترضان کرده و امکان ارتباط را بین مردم فراهم آورده است. در مقابل دولت‌های منطقه واکنش نشان داده و تلاش کرده‌اند تا این فن آوری ها را در کنترل خود درآورند. حکومت تونس قادر به انجام آن نشد. حکومت مصر هم توییتر و فیس بوک را مختل و سعی کرد ابزارهای ارتباطی را کنترل کند، اما نتیجه عکس گرفت چراکه موجب شد تعداد بیشتری به خیابان‌ها بیایند(بشیر و فردوسی،۱۳۹۲: ۳۵-۲۹).

با توجه به اینکه انقلاب «گل یاس» تونس به عنوان باثبات‌ترین کشور شمال آفریقا و نیز مادر انقلاب‌های منطقه توجه ویژه پژوهشگران را به خود مشغول داشته است، نویسنده این مقاله نیز به این دلیل انقلاب تونس را برای انجام پژوهش انتخاب کرده است. البته باید توجه کرد که رسانه‌های اجتماعی نوین همچون توئیتر، فیس بوک، یوتیوب، مای اسپیس در تحولات بیداری اسلامی در تونس فقط جنبه ابزاری دارند و برخلاف نظر برخی مفسران، متغیری تبعی هستند و نمی‌توان برای آن‌ها نقش مستقل در نظر گرفت. در واقع مجموعه شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی سبب شده است تحولات انقلابی در کشور تونس رخ دهد و در این مسیر از رسانه‌های نوین ارتباطی بهره گرفته شده

1. Facebook
2. YouTube
3. Twitter
4. MySpace

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

است. براساس دیدگاه «سایبردموکراسی»[1] یا «دموکراسی الکترونی»[2] حکومت‌های متمرکز و ستمگر (به ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) با گرو گرفتن اطلاعات و پایین نگه داشتن سطح نیاز جامعه و در اختیار قرار دادن داده‌های کاذب با عنوان آگاهی دادن به ملت‌ها می‌کوشند حاکمیت خود را اعمال کنند زیرا رسانه‌های نوین، به ملت‌ها اطلاعات صحیح می‌دهند و آن‌ها را از مباحث گوناگون آگاه می‌کنند و به نوعی راهنمای مخالفان نظام‌های دیکتاتور می‌گردند(شمس،۱۳۸٤: ۱۰٤).

فرضیه این مقاله برآن است که افراد متعرض و انقلابی در کشور تونس به کمک رسانه‌های نوین ارتباطاتی ۱. با نشان دادن چهره و اقعی دولت و دولتمردان، بی عدالتی‌ها و فساد آن‌ها و تغییر موضع آن‌ها به حکومت در جهت مخالفت؛۲. فراهم کردن محیطی آزاد برای اشاعه عقاید، همفکری و ابراز عقاید مخالف؛ ۳. سازماندهی، ارتباط و برنامه ریزی اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها و ٤. بر انگیختن حس انسانی و اجتماعی آن‌ها از طریق نمایش و انتشار اخبار و صحنه‌های درد آور و تأسف برانگیز باعث تسریع و سهولت در به بارنشستن انقلاب در تونس شدند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱. مبانی نظری

در بررسی و تحلیل وقوع انقلاب‌های چند دهه اخیر در اروپای شرقی، آسیای میانه و کشورهای عربی، علل و عوامل متعدد دینی، سیاسی، تاریخی، هویتی، قومیتی، اجتماعی، اقتصادی و... نقش داشته‌اند. در عین حال نقش برجسته رسانه‌ها در شکل‌گیری این جریانات و تأثیر آن‌ها در به نتیجه رسیدن این انقلاب‌ها قابل تأمل و بررسی است. در طول تاریخ، ارتباطات در اشکال مختلف یکی از ارکان پایه‌ای جنبش‌های اجتماعی بوده است. در دوره‌های ماقبل فناوری مدرن برای نمونه در زمان جنبش‌های کارگری اروپا، ارتباطات فیزیکی و رودررو بود. افراد جنبش در منزل، در کلوپ یا در یک میدان شهر به طور فیزیکی دور هم جمع می‌شدند. پیشرفت صنعت چاپ تحولی شگفت‌انگیز در ارتباطات به وجود آورد، به‌طوری که افراد لزومی به دیدار و ارتباط فیزیکی و رودررو نداشتند و از طریق جراید و روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کردند. با پیدایش رادیو و تلویزیون و اکنون با

1. Cyber-Democracy
2. E-Democracy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

فناوری‌های جدید سرعت ارتباطات به درجه بالایی رسیده است. رسانه‌ها و وسایل ارتباطی نوین و شبکه‌های مجازی، نقشی بسیار مهم در تحرک جنبش‌های منطقه داشته‌اند(مرادی، بیات، ۱۳۹۱: ۱۱).

«مالاپارتی»[1] نقش رسانه‌ها را در هر گونه تحول انقلابی و تغیر رژیم مورد تأکید قرار می‌دهد. وی بر این اعتقاد است که می‌توان شاخصه اصلی هر گونه کودتای سیاسی یا انقلاب اجتماعی را بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای دانست. رسانه‌ها خلق کننده واقعیت‌های مجازی در روند تغییر رژیم می‌باشند. رسانه می‌تواند با مدیریت افکار عمومی در کنار عوامل دیگر باعث تغییر نظام سیاسی و به وجود آمدن انقلاب شود، زیرا این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع کرد یا به آن سمت و سو و جهتی خاص بخشید، به یقین دولت‌ها نیز تحت فشار افکار عمومی به آن سو کشیده خواهند شد(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۷ : ۱۳).

نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی- اطلاعاتی در عرصه سیاست کشورها گواه تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌گیری حوادثی چون انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی و موج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و صدور این جریانات سیاسی به دیگر کشورهاست. از یک دیدگاه و مطابق آنچه از پیامدهای رسانه‌های الکترونیک جدید مطرح است، جهان وارد عصر دوم رسانه‌ها شده است که بر خلاف دوره مدرن و عصر اول رسانه‌ها، آینده آن به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا عصر دوم رسانه‌ها که در آن بحث رسانه‌های الکترونیک جدید، حاکمیت دارند و اطلاعات حرف آخر را می‌زنند، پدیده‌ها کمتر پیش‌بینی‌پذیر شده‌اند(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۷ :۲۷۸).

انقلاب دیجیتالی در میکروالکترونیک، در فناوری اطلاعات و در رایانه‌ها موجب برقراری تماس‌های تقریباً آنی در سراسر جهان شده است(مک کنزی، ۱۳۹۵: ۸-۵). مهم‌ترین تأثیرات سیاسی فناوری‌های ارتباطی- اطلاعاتی تضعیف حکومت‌های اقتدارگرا، اشاعه اطلاعات سیاسی و درگیرسازی مدنی با مشارکت سیاسی افراد و گروه‌هاست. در حقیقت، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تمام ابعاد حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. شاید، هیچ تحولی را در عصر حاضر نتوان سراغ گرفت که از حیث

1. Malaparte

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ایجاد تغییر در حیات سیاسی و اجتماعی بتواند با این فناوری‌ها برابری کند(سردارنیا، ۱۳۸٦ : ۱۰٤). در حال حاضر، پیشرفت سیستم‌های ارتباطی جدید، دنیایی را پدیدآورده است که در آن ویژگی‌های مکان و فردیت همواره از طریق شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای و جهانی بازنمایی و دوباره تفسیر می‌شوند.

می‌توان گفت به مدد رسانه‌های نوین ارتباطی- اطلاعاتی، جهان به دهکده‌ای مبدل شده که اطلاعات و رسانه‌ها، سیستم‌های عصبی و اجزای این دهکده را به هم متصل ساخته است. این فناوری‌ها شامل اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی رایانه خانگی و ویدئو هستند(سردارنیا، ۱۳۸٦: ۱۰۵). حدود سی سال پیش، «مارشال مک لوهان»[1]، واژه دهکده جهانی را ابداع کرد. به اعتقاد وی، پیشرفت‌های اخیر در رسانه‌های الکترونیکی، جهان را تبدیل به دهکده کوچک ساخته است. مک لوهان، شتاب و سرعت را از ویژگیهای اصلی در عصر رسانه‌های الکترونیکی می‌داند. به اعتقاد وی، شتاب و سرعت به سوی بی نهایت و هدف اصلی آن، حذف فضا است و نتیجه سرعت، تغییرپذیری ارزشهاست(مک لوهان، ۱۳۷۷ : ۱۱۰). به گفته وی، عصر الکترونیک، انسان‌ها را به جایی رسانید که به شدت احساس کنند که به یکدیگر وابسته‌اند (مک لوهان، ۱۳۷۷ : ۳۷۳).

مهم‌ترین ویژگی فناوری‌های ارتباطی، از نظر مک لوهان عبارت است از:

۱) سرعت بالای این فناوری‌ها، به طوری که الکتریسیته، یک شبکه جهانی شبیه سیستم اعصاب مرکزی انسان به وجود آورده که به ما امکان می‌دهد، جهان را همچون کل واحد درک کنیم و هر حادثه محلی، انعکاس جهانی داشته باشد؛

۲) سیاسی شدن و تشدید آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی انسان‌ها؛

۳)رمززدایی از انسان و جامعه؛ بدین معنی که عصر جدید، عصر ابهام زدایی از انسان، جامعه و تاریخ است و دیگر خرافه‌ها، به عنوان واقعیت، تجلی نمی‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۳ : ۳۲).

امروز در سایه پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، مرزهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار آسیب‌پذیر شده است. به عبارت دیگر، با پیدایش جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی، گونه‌های قدیمی سانسور منسوخ گشته و حاکمیت دولت بر رسانه‌های

1. Marshal McLuhan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

تازه ارتباطی و سانسور محتوای رسانه‌ها به‌گونه‌ای چشمگیر دشوار شده است. ماهواره‌ها، اینترنت و وب‌سایت‌های خبری و گروه‌های سیاسی مجازی، کمتر کنترل‌پذیر است. این فضای دیجیتالی و الکترونیک، همچون فضایی تمرکززدایی شده و آزاد است که هیچ ساختار اقتدارگرایی در آن نمی‌تواند نهادینه شود، زیرا نه مرکز ویژه‌ای دارد و نه مالک و دارنده خاص(سردارنیا، ۱۳۸٦:۱۱۱). در باور «آنتونی گیدنز»[1] پیشرفتهای جدی در زمینه فناوریهای ارتباطی، به تکوین یک سیستم باز اطلاعاتی در سطح جهان کمک کرده است، مرزها، شیشه یی شده و حوادثی که در آن سوی مرزها رخ می‌دهد، برای ما آشکار است(گیدنز، ۱۳۷۹ : ۳٤) دیگر، دوران حصارهای بلند به سر آمده که مانع نفوذ و مداخله دیگران در امور و مسائل داخلی می‌شد. سانسور و کنترلهای سفت و سخت، در عصر جدید، کاهش می‌یابد. کارکرد مهم رسانه‌های نوین که کنترل‌شان بسیار دشوار است، تأثیر بر افکار عمومی و بسیج آن است، به گونه‌ای که به واسطه این رسانه‌ها، نوعی فضای مجازی شکل می‌گیرد و بسیاری از افراد بی‌آنکه یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می‌کنند. در این صورت دیگر مانند گذشته، نیازی نیست که برای تبدیل افکار عمومی به نیروی اجتماعی و تغییر اوضاع سیاسی، به اهرمی مانند حزب سیاسی متوسل شد و اگر این تغییر در افکار عمومی پیدا شود، مردم در بزنگاه تاریخی، خودشان راه را باز می‌کنند و احتیاجی به اعمال نیرو، فشار و زور از طریق اهرم‌های جدا از مردم وجود ندارد(پورسعید، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۰).

«پالتر» کارکردهایی را برای فناوری‌های ارتباطی- اطلاعاتی نوین ذکر می‌کند و می‌گوید:

۱. رسانه‌های نوین تریبونی برای بیان اهداف، آرمان‌ها، تجربه‌ها و فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی جنبش‌های اجتماعی است؛

۲. رسانه‌های نوین باعث شکل‌گیری، انسجام و تحکیم هویت جمعی و عمومی جنبش‌های اجتماعی می‌شوند؛

۳. رسانه‌های نوین منجر به بسیج نیروهای بالقوه در جهت حمایت از جنبش‌ها می‌شوند؛

٤. گسترش رسانه‌های نوین، می‌تواند بین جنبش‌ها و سایر عاملان سیاسی و اجتماعی همچون احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، دولت‌ها و فعالان سیاسی پیوندهای نمادین برقرار سازد؛

1. Anthony Giddens

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۵. رسانه‌های نوین می‌توانند در روابط درونی جنبش‌ها مؤثر واقع شوند و باعث تقویت انگیزه و روحیه اعضا و هواداران جنبش می‌شوند و از مرگ آنها جلوگیری می‌کنند(سردارنیا، ۱۳۸٦ : ۱۰٤).

رسانه‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر– از به کار بردن پیامک و پست الکترونیک گرفته تا شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ماهواره‌ای– در رهبری انقلاب‌ها نقش فعال ایفا کرده‌اند و با اطلاع‌رسانی و وصل گروه‌ها، احزاب و فعالان سیاسی اپوزیسیون به مخاطبان فعال و رهبران فکری مردم باعث پیشبرد اهداف سیاسی و ناتوان کردن حکومت‌های مستقر شده‌اند.

رسانه‌های نوین با شکستن مرزهای زمانی و مکانی، میدان ابراز وجود انسان‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده به شمار می‌روند. در جوامعی که راه‌های معمول برای بیان خواسته‌ها و اعتراض بسته باشد، شهروندان به کانال‌ها و شیوه‌هایی چون اعتراض‌های خیابانی یا رسانه‌های نوین مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رومی‌آورند. سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی در همین شبکه‌ها صورت گرفته است(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۸ : ۱۲–۱۱). نقش شبکه‌های مجازی و اجتماعی به حدی بود که برخی تحلیل‌گران از آن به‌عنوان انقلاب توییتری یا فیس‌بوکی یاد می‌کنند. بر این اساس باید گفت یکی از نقاط مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های الکترونیکی نوین یعنی ماهواره و جوامع مجازیِ الکترونیکی، مانند شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌های تلفنی و.... در شکل‌گیری آنهاست.

این جنبش‌ها بدون رهبری و عنصر نخبگی‌اند، ولی دارای خواسته‌های مشخصی‌اند و برای برآورده شدن این خواسته‌ها پیوسته و به‌طور روزمره در حال فعالیت و مبارزه به‌سر می‌برند؛ گرچه مبارزه آنها به‌طور فردی یا در ارتباط غیرفعال و تلویحی با دیگران صورت می‌گیرد. از آنجا که هزاران یا میلیون‌ها نفر مشغول فعالیت برای برآوردن درخواستی مشترکند و این افراد (از طریق رسانه‌های اجتماعی و اینترنت و فیس‌بوک و غیره) دارای پیوندی تلویحی و غیرمستقیم و به‌خصوص پیوند مجازی هستند، به نوعی خاص خصلت جنبشی هم پیدا می‌کنند.

پیشرفت و گسترش سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات در آستانه هزاره سوم بستری بسیار مطلوب برای بهره‌گیری در راستای تحقق انقلاب‌ها فراهم آورده است. گرایش مردم به رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباطی اینترنتی بر نفوذ و اثرگذاری آن در روندهای سیاسی –

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اجتماعی افزوده است؛ به‌گونه‌ای که رسانه‌ها به یکی از ابزار معمول و کاربردی در براندازی ساختارهای سیاسی تبدیل شده‌اند. انقلاب‌های اخیر کشورهای خاورمیانه نمونه‌های فراوانی از کارآمدی ابزار رسانه‌ای و ارتباطی را در به ثمر رساندن آن‌ها، در حافظه دارند. کاربران رسانه‌های جمعی نوین همچون ایمیل و فیس‌بوک خودسوزی عزیزی در تونس را به یک اعتراض جمعی تبدیل کردند. در مصر نیز این الگو یا سرمشق تکرار شد، یعنی ایجادکنندگان اعتراض‌های خیابانی از طریق رسانه‌های جدید به ویژه فیس‌بوک و توییتر با هم ارتباط داشتند و اعتراضات را سازماندهی کردند. این نوع سازماندهی در روزهای بعد با وسعتی بیشتر ادامه پیدا کرد و هر روز بر تعداد تظاهرکنندگان افزوده شد، ترس اعتراض‌کنندگان بیشتر ریخت و اعتماد به نفس بیشتری گرفته و به همین نسبت نیز حاکمیت را تضعیف کردند (کیا و محمودی، ۱۳۹۰ :۲۱-۱۸). با توجه به مطالب ذکر شده مدل نظری تحقیق مبتنی بر تلفیقی از نظریات «مانوئل کاستلز» «گیدنز»و «پالتر» بر این است که فضای مجازی وضعیت اجتماعی جدیدی را فراهم می‌آورد که با استفاده از اینترنت و تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید به ایجاد تحرک اجتماعی و القا اطلاعات با هدف مقابله با هژمونی بر می‌خیزد و این امری بود که در انقلاب تونس رخ داد.

۲. رسانه‌های نوین و انقلاب‌ها

۲-۱. اینترنت و انقلاب‌ها

اینترنت را می‌توان از محصولات دوران جنگ سرد و حاصل هراس وزارت دفاع امریکا از خطرهای جنگ هسته‌ای دانست. از سال ۱۹۹۷ با تجاری شدن اینترنت، خدمات آن به شدت تنوع و فزونی گرفت و هزینه‌های دسترسی به آن به همان نسبت کاهش یافت و تعداد مشترکین اینترنت و میزان بهره‌برداری از آن به صورت تصاعدی افزایش یافت. پیتر فردیناند معتقد است: «اینترنت، بوضوح، یک تهدید استراتژیک درازمدت قابل توجه برای رژیم‌های اقتدارگرا است؛ تهدیدی که این گونه رژیم‌ها را از مقابله مؤثر با آن ناتوان می‌سازد. اخبار جهانی، به درون ملت‌هایی که تحت استیلای رژیم‌های اقتدارگرا هستند، انتقال داده می‌شود و این اخبار با اخبار تحریف شده از سوی حکومت‌ها برخورد می کندو در نتیجه اعتبار و مقبولیت چنین رژیم‌هایی را تضعیف و ناآرامی‌ها را تشویق می‌کند. اطلاعات پیرامون نقض

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

حقوق بشر و دیگر اشکال سرکوب، به طور فزاینده یی، از طریق اینترنت، در سطح جهان اشاعه می‌یابد و به بسیج نیروهای سیاسی خارجی و داخلی کمک می‌کند.» (Ferdinand 2000:۱۲) مانوئل کاستلز، به نقش اینترنت در بسیج پشتیبانی سیاسی به نفع جنبش زاپاتیست ها در مکزیک اشاره می‌کند؛ به دلیل حمایت گسترده افکار عمومی از این جنبش در سطح جهانی، حکومت مکزیک نتوانست به شکل گسترده به سرکوب این جنبش بپردازد (Ibid, 12).

پیپا نوریس، در ارتباط با اثرات این فناوریها بر درگیر سازی مدنی، چند فرض عمده را مطرح می‌کند که عبارت است از:

۱) اینترنت ممکن است به آگاه سازی، سازماندهی، بسیج و درگیر سازی مدنی افراد و گروههای به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و اقلیتهای سیاسی منجر گردد(Norris, 2002:1). به اعتقاد وی، اینترنت با تأمین فرصت‌های سیاسی؛ از قبیل کسب اطلاعات راجع به احزاب و گروه‌های سیاسی، دسترسی به کنفرانس‌های اینترنتی، گروه‌های سیاسی مجازی، اتاق‌های گفتگو، ارتباط سیاسی دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره، می‌تواند در بسیج و درگیر سازی مدنی تأثیر گذار باشد (Ibid,2).

۲) اینترنت، به مثابه تریبونی برای احزاب و گروههای سیاسی معترض و اقلیت، می‌تواند به تضعیف حکومتهای اقتدارگرا و گسرش دموکراسی کمک کند(Ibid,4). گروه‌های سیاسی و فعالان سیاسی، از طریق این فناوری‌ها، فساد سیاسی و اقتصادی، تبعیض‌ها، سرکوب‌های سیاسی، ناکارآمدی‌های حکومت و موارد دیگر را آشکار می‌سازند و با برجسته سازی این ضعفها، چالش‌های جدی برای این نوع حکومت‌ها ایجاد می‌کنند. سازمان‌های بین المللی غیردولتی نیز، می‌توانند از طریق این فناوریها، اعتراضات گسترده را علیه حکومت‌های اقتدارگرا بسیج کنند. نوریس، با اشاره به یکی از مطالعات انجام شده، بین مردم گرایی و پیام‌های سیاسی از طریق ایمیل یا پست الکترونیکی رابطه مثبت می‌بیند(Ibid,5).

۳) اینترنت، می‌تواند در اشاعه ارزش‌های سیاسی دموکراتیک؛ از قبیل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت وغیره تأثیرگذار باشد. گسترش این ارزش‌ها، می‌تواند بستر و محیط همدلانه برای جنبش‌های اجتماعی و شبکه‌های حمایتی بین المللی ایجاد کند و مشارکت سیاسی را در سطح جهانی گسترش دهد (Ibid,10-13).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۲-۲. شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی نوعی ارتباطات اینترنتی توسعه یافته هستند که از سال ۲۰۰٤ تاکنون پا به عرصه جهان مجازی نهاده‌اند. رسانه‌های اجتماعی شامل وبلاگ‌ها، میکروبلاگ‌ها، پادکست‌ها ، ویدئوکست‌ها، ویکی‌ها، تالارهای گفت و گوی اینترنتی و غیره می‌باشند که توئیتر و فیس‌بوک و... از جمله آن‌ها به شمار می‌روند. زبان جدید پدید آمده در این رسانه‌های اجتماعی دارای ویژگی خاصی چون: ۱- اجتماع‌محوری؛ ۲- تعامل دوسویه؛ و ۳- تولید جمعی اطلاعات می‌باشند. این شبکه‌ها با تولید و بازخورد همزمان اخبار، گوی سبقت را از خبرگزاری‌ها و سایر رسانه‌های سنتی ربوده‌اند. این شبکه‌ها، طیف گوناگونی از داده‌ها و اطلاعات سیاسی و اجتماعی را ارائه می‌دهند و در تلاشند که با برقراری ارتباط دوسویه با شهروندان و معرفی اطلاعات به آنها، دموکراسی در سطح محلی و بین المللی ارتقاء بخشند (Locke.,1999 :111-112). از جمله مهم‌ترین مزایای ابزارهای «وب دو» که در قالب شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، مای‌اسپیس و توئیتر وجود دارند، نقش قدرت بسیج عمومی این رسانه‌هاست که رفتارهای اجتماعی را در حوزه‌های مختلف از طریق ارتباطات الکترونیکی، به سوی تلاش جمعی که همانا ویژگی اصلی جامعه اطلاعاتی هزاره سوم است هدایت می‌کند. گاه تأخیر در تشخیص و عدم درک مناسب از کارآمدی این شبکه‌های اجتماعی چالش‌های امنیتی مختلفی را به دنبال دارد (محمدی‌نجم، ۱۳۸۸ :۱۰۱).

کارکردهای شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای متفاوت است و می‌توان به نقش آن‌ها در مسائل گوناگون اذعان کرد که انقلابها و خیزشهای اجتماعی در کشورهای عربی همچون تونس در سال‌های اخیر نمونه‌ای از کارکرد سیاسی این شبکه‌هاست.

جنبش‌های اجتماعی جدید که هدف آنها کوششی هماهنگ و متمرکز برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک است، هم به نوعی متأثر از شبکه‌های اجتماعی شده‌اند و این جنبش‌های جدید شکلی از فعالیت مدنی و سیاسی عقلانی هستند. این شبکه‌ها می‌توانند به دولت قویتر یا قدرت بیشتر شهروندان و برجسته شدن منافع اجتماعی منجر شوند. این شبکه‌ها هم می‌توانند برای مراقبت و نظارت متمرکز و ثبت و ضبط مدارک و شواهد به کار روند و هم می‌توانند در خدمت استقلال محلی و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیریهای سیاسی قرار بگیرند. بنابراین به این معنی می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی، جماعت‌هایی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در وضعیت مدرن و واسطه‌ای میان جامعه و دولت‌های مدرن هستند که وارد مسائل مربوط به امر عمومی می‌شوند.

یکی از دلایل خودگشودگی افراد در زمینه‌های مختلف به ویژه در زمینه سیاست در شبکه‌های اجتماعی به خاطر فضای آزادی است که در آن وجود دارد و منجر به خوداظهاری کاربران و آشکارا ابراز کردن علایق و عقایدشان شده است. دسترسی سریع و آسان و بدون هزینه به شبکه‌های اجتماعی،نبود رسانه‌های آزاد و منتقد، کنترل کمتر این رسانه، امکان درج نظر و اخبار در هر لحظه و امکان مشاهده انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رو در رو، سبب استقبال زیاد کاربران از آنها شده است.

۳-۲. تلفن همراه و انقلاب‌ها

یکی از مهم‌ترین ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی در عصر جهانی شدن که کاربردهای روزافزونی در میان خیل گسترده مردم جوامع امروز پیدا کرده، تلفن همراه است. تلفن همراه، به‌عنوان یک وسیله ارتباطی در ابتدا مانند تلفن ثابت، با این تفاوت که همیشه همراه انسان است، درنظر گرفته شده بود، اما تأثیرات نوع جدید تلفن‌های همراه که به نسل سوم معروفند، متفاوت بوده است. افزایش تلفن‌های همراه و گوناگونی خدمات و تبلیغات وابسته به آن، دگرگونی‌های اجتماعی گسترده‌ای را به‌وجود آورده‌است که به هیچ وجه در ابتدا پیش‌بینی‌پذیر نبود. با توجه به کارکردهای متنوع تلفن همراه، نظیر دوربین عکاسی و فیلم‌برداری، ارسال و دریافت پیام، سرعت انتقال پیام، امکان ارسال عکس و فیلم، قابلیت ضبط، دریافت امواج رادیو و تلویزیون، امکانات رایانه‌ای، اتصال به شبکه و...، امروزه، نقش تلفن همراه، از یک وسیله و ابزار ارتباطی ساده فراتر رفته و کارکردهای متنوع و گسترده‌ای را شامل می‌شود(مرادی، بیات،۱۳۹۱: ۱۲). در حقیقت رسانه‌های نو را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن امکاناتی که تلفن‌های همراه ما فراهم آورده‌اند، بررسی کرد. فناوری‌هایی که پس از ظهور وب دو در اینترنت شکل گرفته‌اند پیوند بین اینترنت و تلفن‌های همراه را به خوبی برقرار کرده‌اند. سایت‌های اجتماعی به راحتی می‌توانند مطالب وبلاگ شما را در همه مسنجرها، ایمیل‌ها و سایر وبلاگ‌ها و امروز توسط پیامک به تلفن‌های همراه ارسال کنند. این شیوه ارتباطات و اطلاع‌رسانی به تسریع انتشار اخبار کمک شایانی کرده است. ویژگی همراه بودن این تلفن‌ها در تمام طول روز که همواره می‌توان اخبار و اطلاعات را بر روی آن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مشاهده کرد بر نفوذ این وسیله ارتباطی افزوده است. آموزه تأثیر تلفن همراه بر رفتار انتخاباتی و رأی دهی، بسیج اعتراض‌ها، سازمان دهی و بازنمایی جنبش‌های اجتماعی و نیز تأثیر آن بر دموکراسی و گسترش یا تحدید حوزهٔ عمومی، مقوله‌ای عمومی و عادی شده است (قلی پور و شهریاری، ۱۳۹۲: ۸).

پیامک به‌عنوان یک ابزار نوین ارتباطی تلفن‌های همراه، دارای کارکردهای گسترده‌ای در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به ویژگی این سیستم، از جمله سرعت انتقال، تنوع مطالب و ارزان بودن آن، می‌تواند به راحتی در اختیار مخاطبان قرار گیرد. شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین کارکردهای پیامک را کارکرد سیاسی آن عنوان کرد. امروزه، سیستم پیام کوتاه به‌عنوان راهکارهای تازه، نظر طیف وسیعی از افراد جامعه، به‌ویژه جوانان و فعالان سیاسی را به خود جلب کرده است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که پیامک به‌عنوان یک وسیله ارتباطی مدرن و نوظهور، می‌تواند به خوبی در نقش رسانه‌ای تأثیرگذار ظاهر شود و با کارکردهای مهم، همچون ایجاد ارتباط انسانی، پیام‌رسانی، سرعت عمل، از آن در جهت اطلاع‌رسانی به‌موقع، سریع و تأثیرگذار در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... استفاده کرد. قابلیت‌های تلفن همراه بازیگران سیاسی را برآن داشت تا در فعالیت‌های خود از این وسیله استفاده کنند. به‌عنوان نمونه، در جریان انقلاب نارنجی اوکراین، موبایل به وسیله ارتباطی مؤثری در جهت‌دهی برنامه‌ها تبدیل شد(جمالی، ۱۳۸۸ :٤١).

جدیدترین چشم‌انداز ارائه شده در سال ۲۰۱۱، رسانه‌های اجتماعی را در هفت گروه اصلی قرار داده است که عبارتند از: ابزارهای انتشار، اشتراک‌گذاری، بحث، تجارت، موقعیت، شبکه‌سازی اجتماعی و ابزارهای بازی اجتماعی(Taprial & Kanwar, 2011: 33-39). طبق مدل کاوازا[1] علاوه بر این هفت مورد، موقعیت هشتم نیز ترسیم شده که در بین کاربردهای توصیف شده قرار می‌گیرد. طبق این مدل، دو غول بزرگ دنیای وب اجتماعی یعنی فیس‌بوک و گوگل در موقعیتی میان همه گونه‌های فوق قرار می‌گیرند. قرار گرفتن در این موقعیت، بدان معناست که این دو مجموعه تقریباً تمامی کاربردهای هفت‌گانهٔ بر شمرده شده را پوشش می‌دهند. به منظور دسترسی به هدف این تحقیق در زمینه شناخت اینترنت و شبکه‌های

1. Fred Cavazza

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اجتماعی در تحولات تونس، در زیر به برخی از ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در دنیای امروز اشاره شده است(Ibid, 40).

۱. تغییر شکل ارتباطات: یکی از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، تغییر شکل ارتباطات گفتمانی است. در پایان دهه اول از قرن بیست و یکم شبکه‌های اجتماعی و توییتر دورنمای تعامل اجتماعی و راه‌های برقراری ارتباط بین انسان‌ها را تغییر داده‌اند. به گفته متخصصان ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش رابطه‌های چهره به چهره را کاهش می‌دهند و در مقابل به گسترش روابط مجازی و دیجیتالی کمک می‌کنند قوانلو قاجار، ۱۳۹۰: ۲-۱).

۲. عدم کنترل و سانسور: رسانه‌های جدید موجب گسترش سریع اطلاعات و اخبار در سراسر دنیا شده‌اند و دیگر هیچ حکومتی توان مهار و منحصر کردن اطلاعات را ندارد. رسانه‌های اجتماعی جدید و امواج الکترونیکی بر خلاف رسانه‌های سنتی لمسی، قابل سانسور، سوزاندن یا کنترل نیستند.

۳. تبادل اطلاعات و ایجاد پیوند: فناوری اطلاعات نوین، موجب شده که رفتارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی ابعاد فوق منطقه‌ای یافته و اقشار مختلف در جهان از آن طریق با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از هم‌فکری و حمایت یکدیگر بهره‌مند شوند. فناوری و ارتباطات به اطلاع‌رسانی و پیوند دادن گروه‌های هم‌فکر با یکدیگر، تحولات سیاسی را سرعت می‌بخشد. رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، بیشتر نقش اطلاع‌رسانی، هماهنگی و پیوند مردم را انجام می‌دهند.

٤. فراملی بودن و نداشتن مرز: در عصر جهانی شدن، رسانه‌ها جایگاهی ویژه در جهان یافته‌اند و عامل بسیاری از تحولات شده‌اند که تا به حال وجود نداشته است. طبیعت این رسانه‌ها فراملی و نداشتن مرز است که در حال حاضر دسترسی به آن‌ها را آسان کرده است.

۵.آگاهی‌بخشی: در دوران جدید خواسته‌ها و مطالبات مردم تغییر یافته است که درون‌مایه اصلی آن، مساله آگاهی است. در این حال، انقلاب اینترنتی و شبکه‌های رسانه‌ای آگاهی را به شدت در جوامع بالا برده است. اینترنت از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر آن‌ها را در مناسبات سیاسی درگیر می‌کند.

٦ سازماندهی اعتراضات: امروزه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، به کنش‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اعتراضی گسترده دامن می‌زنند. مهم‌تر از همه از طریق شبکه‌سازی و سازماندهی، به جذب هواداران بیشتر و انسجام درونی و از سوی دیگر به ایجاد اتحاد و ائتلاف میان بازیگران اجتماعی می‌پردازند(امینی و اکبری ،۱۳۹۱ :۱۲۶-۱۱۳).

۳. جهت‌گیری رسانه‌های ارتباطی نوین در فرایند بیداری اسلامی

در رخدادهایی که در کشورهای عربی رخ داد و به بیداری اسلامی مشهور گردید نیز رسانه‌های نوین نقش فعالی را ایفا نمودند. این رسانه‌ها شامل اینترنت، موبایل و رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و توییترنقش بارزی را بر عهده داشتند. با استفاده از این تکنولوژی‌ها مردم علاقه‌مند به دموکراسی و یا مخالفان حکومت توانستند شبکه‌های خود را گسترش داده، سرمایه اجتماعی ایجاد نموده و عمل سیاسی را به سرعت و با مقیاسی که تاکنون مشاهده نگردیده بود سامان بخشند. در واقع رسانه‌های دیجیتال این فرصت را به جریان‌های اجتماعی در این کشورها دادند تا به هدفی غیر قابل حصول دست یابند (Howard & Hussain, 2010: 35-48).

فی الواقع موبایل‌های دوربین‌دار، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت را می‌توان حلقه‌های زنجیره اطلاع‌رسانی دانست که با کنارهم قرار گرفتن آن‌ها، قدرتی عظیم در اختیار معترضان ضددولتی در کشورهای عربی قرار گرفت البته تأثیرگذاری رسانه‌های نوین در دو بخش قابل تأمل و بررسی است: نخست، بلندمدت و دوم، کوتاه‌مدت. در بخش اول، این رسانه‌های نوین بودند که در گذر زمان و در بلند مدت باعث آگاهی توده‌های مردم نسبت به موضوعات مختلف پیرامون خود و وضعیت کشورشان و مقایسه آن با کشورهای همسایه و جهان شدند.

به‌طور قطع بجز رسانه‌های نوین، هیچ جایگزینی نمی‌توانست سطح آگاهی‌های بخش‌های مختلف مردم را تنها با بهره‌گیری از سیستم‌های سنتی مانند دانشگاه و مدرسه و کتاب و روزنامه، تا این میزان افزایش دهد و را از واقعیت‌های مگو آگاه سازد. مردم این کشورها از سال‌ها پیش با ظهور رسانه‌های نوین، کم‌کم واقعیت شرایط کشورشان را دریافتند و روز به‌روز بر آگاهی و اطلاعات‌شان افزوده شد. همین روند مردم را با جایگاه فعلی آنان و جایگاهی که باید باشند آشنا کرد تا به فکر راه چاره برای انتقال بین دو جایگاه بیفتند.

در بخش دوم، در حوزه تأثیرگذاری کوتاه‌مدت نیز این رسانه‌های نوین بودند که در زمان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بروز اعتراض‌ها و انقلاب‌ها و کشمکش و مقابله با دولت‌ها و دیکتاتورها، نقش‌های عملیاتی متعددی را ایفا کردند(دهشیری ، و مقامی:۱۳۹٤: ۱۷۷-۱٦۷). برای نمونه در همین کشورهای عربی کاربران اینترنت (که می‌توانند هر کدام از تک‌تک مردم عادی باشند) در قامت یک فعال سیاسی، یک حزب و حتی یک رهبر ظهور کردند و در سایت‌های تعامل اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر، برای برگزاری تجمع و روز خشم، فراخوان صادر کردند و درباره چگونگی و کیفیت این فراخوان و برگزاری آن به گفت و گو و تبادل نظر پرداختند و پس از تجمعات و درگیری‌ها با انتشار خبر و عکس و فیلم ضبط شده به‌وسیله دوربین‌های موبایل در سایت‌ها و وبلاگ‌ها اطلاعات بسیاری را در اختیار مردم خود و سایر کشورها قرار دادند .به بیان دیگر، اگر در رسانه‌های سنتی مانند روزنامه‌ها، اطلاع‌رسانی جاده‌ای یک‌طرفه بود که مسیر آن از سمت رسانه به سوی مردم است، در رسانه‌های جدید، مردم برای نشر خبر، منتظر خبرنگاران نمی‌مانند و خود به عاملی برای انتشار سریع اخبار تبدیل می‌شوند. رسانه‌های نوین، اعم از سایت‌ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها به‌عنوان پادزهری برای دروغ‌ها و اتهام‌زنی‌های دولت‌های عربی عمل کردند و معلوم ساختند که برخلاف گفته دولت‌های دیکتاتور، معترضان در تونس اقلیتی تروریست نیستند و در مصر عده‌ای معدود که می‌خواهند کشور را ناامن و بی‌ثبات کنند وجود ندارند.

از سوی دیگر، رسانه‌های نوین با ارائه سریع اخبار و اطلاعات به بقیه کشورهای عربی، مردم آن ممالک را نیز تشویق کردند که می‌توانند علیه دیکتاتورهای کشورهایشان قیام کنند و پیروز شوند. به‌بیان دیگر، رسانه‌های نوین، نه‌تنها به مردم آگاهی دادند، بلکه به آنان امید هم تزریق کردند و شاید اگر این امید به پیروزی نبود، مردم کشورهای عربی پس از سال‌ها سکوت و انفعال، این‌گونه قیام نمی‌کردند (غبیشاوی، ۱۳۹۰: ۱).

سه کارویژه اساسی این رسانه‌ها در فرایند بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا عبارت بودند از:

الف) سازماندهی انقلابیون و معترضان: جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی عربی با استفاده از قابلیت‌های اینترنت همچون پیام نگارها، گردهمایی‌های اینترنتی، ارتباطات دو سویه با فعالان، وب سایت‌ها، گروه‌ها و نشریات خبری، نظرخواهی اینترنتی و گردآوری امضا برای طومارها توانستند تا حد زیادی بر بسیج رفتارهای اعتراضی مانند تحصن‌ها، راهپیمایی‌ها و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

گردهماییها در جوامع امروزی تأثیر گذار باشند. اینترنت مجرای مهمی برای گروه‌های در حاشیه مانده سیاسی و رفتارهای اعتراضی آنها در جوامع انقلابی عربی بود(سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۹) در این راستا با توجه به آنچه در خصوص نقش ارتباطات و اینترنت اشاره کوتاه شد شواهد نشان می‌دهد که در انقلاب مصر شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش اصلی را در سازماندهی جنبش انقلابی بازی کردند و از این رو، بیش از هر چیز، از امکانات نوینی که روند جهانی شدن در اختیار بشر امروز قرار داده، بهره گرفتند(پورسعید،۱۳۹۰ :۱۹۰).

ب) ارائه آرمان و هویت جایگزین: مانوئل کاستلز معتقد است وقتی جامعه شبکه‌ای شکل می‌گیرد و ارتباطات بین بخش‌های مختلف جامعه افقی می‌شود. قدرت هویت حتی بر جامعه مدنی هم پیشی می‌گیرد. او هویت‌های مقاومت را بسیار نیرومندتر از هویت‌های مشروعیت بخش می‌داند. به اعتقاد وی در این هویت‌ها اصول اساسی و منبع نیرومند هویت است و این دقیقاً همان چیزی است که در میدان تحریر شکل گرفت و خود بستر ساز گردید تا خرده گفتمان‌هایی مانند: دیکتاتور باید برود؛ مبارک محاکمه شود؛ قانون اساسی تغییر کند؛ و دیگر خواست‌ها که بر جنبه عقلانیت سیاسی دموکراتیک تأکید داشتند، جایگزین و حاکم شوند. در واقع جوانان مصری در سایه فقدان ایدئولوژی و گفتمان واحد در صحنه سیاسی عینی کشورشان، حرکتی را آغاز کردند که نگاه جامعه شناسان و متخصصان علوم سیاسی به جنبش‌های مجازی و آنلاین را تغییر داده و پژوهش گران روابط بین الملل را به این اصل اساسی باورمند کرد که مفهوم هویت و قدرت، به طور شگرفی در دنیای مجازی و عصر ارتباطات تبلور یافته است(ابراهیمی، ۱۳۹۰ :۱۲۵-۱۲٤).

ج) رهبری اعتراضات: تحول از رهبری عمودی به رهبری افقی: در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ و کلاسیک دنیا و از جمله انقلاب اسلامی « رهبری» از جمله عوامل غایب در انقلاب ۲۵ ژانویه در مصر و همچنین انقلاب تونس بود . در واقع، جنبش‌های انقلابی مصر و تونس در مقایسه با جنبش انقلابی ایران، به لحاظ رهبری، بیشتر به جنبش‌های نوین اجتماعی شبیه‌اند تا جنبش‌های کلاسیک. از جمله تفاوت‌های جنبش‌های جدید اجتماعی و جنبش‌های کلاسیک یا قدیم، نبود رهبری آوانگارد یا حزب پیش گام در رأس جنبش است. در این جنبش‌ها، رهبری صفتی جمعی و غیر متعین در شخص خاص می‌باشد و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شود، حول ایده‌ای خاص مثل برابری خواهی، حقوق بشر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

یا دموکراسی خواهی، بسیج و جمع می‌شود. این وضعیتی است که در انقلاب‌های مصر و تونس، به وضوح قابل مشاهده بود . در این انقلاب‌ها، رهبری کاریزماتیک، جایش را به رهبری جمعی داد که بعضاً در فضای مجازی شکل می‌گیرد و پس از آن عمل می‌کند. انقلاب مصر، هیچ رهبری نداشت و هیچ حزب یا گروه خاصی، آن را هدایت نمی‌کرد و این خود مردم بودند که از طریق رسانه‌های جدید و در رأس آنها اینترنت، به سازماندهی و مدیریت جریان اعتراضات اقدام می‌کردند(پورسعید، ۱۳۹۰ :۱۸٤-۱۸۳).

۴. رسانه‌های ارتباطاتی نوین و انقلاب تونس

به دنبال خود سوزی محمد بوعزیزی در شهر سیدی بوزید[1] در دسامبر ۲۰۱۰، تظاهرات خشونت آمیز و گسترده خیابانی سراسر تونس را فرا گرفت و درنهایت به سرنگونی زین العابدین بن علی رئیس جمهوری این کشور در۱٤ ژانویه ۲۰۱۱ انجامید. تظاهرات در اثر عواملی همچون؛ بیکاری گسترده، تورم، گرانی مواد غذایی، فساد، نبود آزادی بیان و دیگر اشکال آزادی سیاسی و وضعیت بد معیشتی مردم شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت(Breuer, Landman & Farquhar 2014:764). اعتراضات سال ۲۰۱۱ در تونس، چشمگیرترین و گسترده‌ترین موج ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی این کشور طی سه دهه اخیر بود که تعداد زیادی کشته و مجروح برجای گذاشت و بیشتر آن‌ها نتیجه اقدامات خشونت آمیر پلیس و نیروهای امنیتی علیه معترضان بود. فرار بن علی به عربستان سعودی، پایانی برحضور ۲۳ ساله او در قدرت و پیروزی انقلاب یاسمن در این کشور بود (Davies, 2010 :5).

از دیدگاه پل راجرز ناآرامی‌های رخ داده در تونس پاسخی به نابرابری و بی‌عدالتی سیستمیک و نشان دهنده محدودیت‌های کنترل نخبگان بود.دراین بین عوامل سیاسی و اقتصادی هم نقش موثری را ایفا کردند، او بر این اعتقاد است که ناآرامی‌های تونس ناشی از ترکیب پیچیده‌ای از مشکلات اقتصادی شامل افزایش قیمت مواد غذایی و بیکاری گسترده همراه با احساس نفرت از رژیم استبدادی و طبقه ثروتمند حاکم بر این کشور بودکه چندین دهه برای کنترل نظم عمومی استفاده از خشونت را در دستورکار قرار داده بود. اهمیت وقایع تونس به این علت است که در زمره کشورهایی قرار دارد که در کنار دارا بودن رژیمی نخبه

1. Sidi Bouzid

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

گرا، با رشد سریع جمعیت و رکود اقتصادی هم دست و پنجه نرم می‌کرد. این تجربه مشترک می‌تواند درتوضیح وقوع ناآرامی‌های بیشتر در منطقه و تلاش دولت‌ها برای مقابله، درهم شکستن یا تعدیل آن موثرواقع گردد (Rogers, 2011: 9-11).

از سوی دیگر جهانی شدن ارتباطات و بخصوص فناوری‌های نوین ارتباطاتی- رسانه‌ای با تاثیرگذاری بر خودآگاهی مردم به ویژه جوانان اکثراً تحصیل کرده طبقه متوسط جدید و مرتبط با جهان خارج نقش غیر قابل انکاری در تحولات تونس ایفا کرد. آنچه آشکار است،آگاهی گسترده مردم برای بیان خواسته‌هایشان می‌باشد. این نشان می‌دهد جهانی شدن ارتباطات که فرایندی جهان شمول بوده توانسته است تاثیرات مهمی را در مناطق خاورمیانه و شمال افریقا برجای بگذارد.

ظهور اینترنت وگسترش شبکه‌های تلفن همراه، افزایش نفوذ شبکه‌های اطلاعاتی و جهان‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی آنلاین، بسیاری از معادلات را به نفع ملت‌ها وبه ضررمستبدان تغییر داده است(یزدانی، و همکاران،۱۳۹۱ :٤١). تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، خرده‌رسانه‌ها وشبکه‌های اجتماعی درسطح جوامع بسیاری ازجنبه‌های زندگی را دگرگون کرده‌اند. آگاهی‌بخشی رادرجوامع تسهیل کرده وبرای مردم این امکان رافراهم آورده تا به گستره‌ی بزرگ‌تری از اطلاعات دسترسی داشته باشند(بشیر و تفرجی، ۱۳۹۳: ۷-۲). اینترنت بزرگ‌ترین جهش تاریخی انسان در فراهم آوردن ابزارهای ابراز و ترویج اندیشه و بیان را رقم زده و از این طریق شهروندان را توانمندترکرده است (انقلاب یاس در تونس، ۲۰۱۱). امروزه استفاده ازفن آوریهای ارتباطی نظیر اینترنت به عنوان ابزاری کمکی برای بسیج معترضان دارای جایگاه خاصی است و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تحولات اخیر هم بسیار گسترده بوده است. تلاش‌های اقتدارگرایان درتونس برای کنترل شبکه‌های آنلاین همچون توییتر و فیس بوک شاهدی براین مدعاست. دیگر رژیم‌های منطقه هم با دقت این رسانه‌ها را زیر نظر دارند(Anderson & Technica, 2011 :13).

پدیده رسانه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس، به ایجاد یک اکوسیستم رسانه‌ای انجامید که پیش از این وجود نداشت. این اکوسیستم به نوبه خود به تعریف تازه‌ای از خبرنگاری در حوزه عربی منجر شد و راه و منبع تازه‌ای برای بسیج نیروهای سیاسی در انقلاب تونس فراهم آورد. انقلاب تونس نشان داد که اینترنت به عنوان یک ابزار رسانه‌ای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جدیدو بین المللی سلاح بسیار کارآمدی است که خارج از کنترل حکومت است. اگر طی ناآرامی‌ها دسترسی به اینترنت آزاد باشد باعث می‌شود تا همه دنیا شاهد اقدامات خشونت آمیز صورت گرفته علیه معترضان باشند و به این ترتیب حکومت در معرض افکار عمومی جهانی قرار گرفته و انتقادات شدیدی از سوی سازمان‌های حقوق بشری متوجه آن خواهد شد.درصورتی که اینترنت سانسور و یا قطع شود شاید خطر بزرگتری متوجه رژیم گردد. به عنوان مثال برخی بر این باورند رژیم مصر با قطع شبکه‌های ارتباطی از جمله اینترنت و تلفن همراه بزرگترین اشتباه خود را مرتکب شد. این اقدام حکومت منجر شد هزاران فعال هوادار دموکراسی که از طریق مونیتور وقایع را پیگیری می‌کردند به میدان تحریر رفته و از نزدیک شاهد اتفاقات باشند.به این ترتیب رژیم بطور نخواسته به افزایش تعداد جمعیت کمک کرد (Hallisso, 2011:24).

پیش از انقلاب یاس، حکومت نظارت شدیدی بر این اینترنت داشت. آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی تونس بر ایمیل‌های شخصی افراد هم نظارت داشت و وب سایت‌های منتقد بسته می‌شد. حکومت بن علی به علت در نیافتن دگرگونی‌های رسانه‌ای در جهان و کشور خود، تصور می‌کرد با محدود کردن رسانه‌ها به ویژه رادیو، تلویزیون، مطبوعات و اینترنت می‌تواند حکومت خود را محفوظ بدارد، از اینرو در سال ۱۹۸۹ در پی انتخابات مجلس، سیاست خشکاندن سرچشمه‌ها را اعمال کرد و به به اعمال سانسور سنگین و سرکوب مخالفان پرداخت و غافل از آن بود که: «رسانه‌های آزاد به مانند نیزه تلفوس قادرند زخمی را که بر پیکر سیاست می‌زنند، خود التیام بخشند، بگذارید انسان‌ها افکار خود را آزادانه بیان کنند و خشمشان را مانند آتشی بیرون بریزند که در سطح زمین زبانه می‌کشد. چنانکه آمارها نشان می‌دهد در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۱ میلادی تعداد کاربران اینترنت در کشور تونس از ۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۶,۳ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است یعنی این کشور یک رشد ۳۵,۳ در صدی در یازده سال را داشته است. و از این تعداد ۳,۸۵۶,۹۸٤ کاربر اینترنت، تعداد ۲,۷۹۹,۲٦۰ نفر کاربر شبکه اجتماعی فیس بوک بوده است این تعداد کاربر یعنی تقریباً یک چهارم (۲٦,۳درصدی) جمعیت تونس را شامل می‌شود و این جمعیت قابل ملاحظه‌ای می‌باشد برای کشور ۱۰,٦۲۹,۱۸٦ نفری تونس، این به این معنی است که از هر ٤ تونسی یک نفر عضو شبکه‌های اجتماعی فیس بوک می‌باشد و تقریباً یک سوم جمعیت هم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کاربر اینترنت می‌باشند و به معنی این می‌باشد که از هر سه نفر تونسی یک نفر کاربر اینترنت و به اینترنت دسترسی دارد.

در فاصله‌ی ۱۸ تا ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰، حداقل افرادی که در تونس از فیس بوک استفاده کرده‌اند در کم‌ترین روز استفاده از آن یک میلیون و هشتصد و بیست هزار نفر بوده است که بیش از ۱۸ در صد کل درصد جمعیت تونس را تشکیل می‌دهد (Anderson & Technica, 2011: 14).

اما این تنها بخشی از قدرت فضای جریان‌هاست در حالی که شبکه‌های ماهواره‌ای از قبیل شبکه تلویزیون الجزیره و نیز ابزارهایی مانند ایمیل، اس ام اس و غیره نقش انکار ناپذیری در آگاهی بخشی نسبت به جریانات و شکل دهی استراتژی مردم معترض داشته است (واعظی،۱۳۹۰ :۱۷۰).

در حقیقت وقوع اعتراض‌های مردمی موجب استفاده فراوان مردم تونس از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شد. شبکه‌های اجتماعی مثل فیس بوک و توییتر به معترضان به ویژه جوانان تونسی اجازه داد تا سریعاً علیه حکومت بن علی، علیرغم محدودیت‌های اعمال شده توسط رژیم او بسیج شوند. برخی از تونسی‌ها، سانسور رژیم را دور زدند و اطلاعات سریعاً میان استفاده کنندگان از اینترنت در داخل و خارج از کشور پخش شد،در واقع شبکه‌های اجتماعی در جریان انقلاب مردم تونس نقش مهمی برای گسترش اطلاعات میان مردم تونس در داخل و خارج از این کشور ایفا کردند (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۰). انقلاب تونس نشان داد که استفاده از فن آوری های ارتباطی محدود به برنامه ریزی راهپیمایی‌ها نبوده است، بلکه مردم ازآن برای تبادل اطلاعات هم استفاده می‌کردند. معترضان تجربیات خود را طی اعتراضات به یکدیگرمنتقل می‌کردند تا بهترین شیوه‌های ممکن را برای مقابله با نیروهای امنیتی مورد استفاده قرار دهند. به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری موثردر گسترش تجربیات معترضان مورد استفاده قرارگرفتند. ناگفته نماند با توجه به اینکه رسانه‌های عمومی به خوبی توسط رژیم‌های استبدادی کنترل وسانسور می‌شود، مانند آنچه در رژیم سابق تونس اتفاق افتاد، به نظرمی رسد شبکه‌های اجتماعی تنها راه موجود برای معترضان است تاصدای خود را به گوش جهانیان برسانند (Hallisso, 2011:25-26). همانگونه که یکی ازفعالان تونسی اشاره کرده است: «برای برنامه ریزی اعتراضات ازفیس بوک استفاده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کردیم، برای هماهنگی از توییتر و از یوتیوب برای نشان دادن اعتراضات و مطلع کردن جهان» (Howard, 2011:9-11).

در میان شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌ی تلویزیونی خبری «الجزیره» نیز نقشی کلیدی در جلب افکار عمومی به حمایت و هدایت این تحولات داشت(لملوم،۲۰۱۱ : الجزیره نت). شبکه الجزیره که در تحولات تونس پیش‌روترین شبکه ماهواره‌ای محسوب می‌شد با انعکاس تصاویر خودسوزی محمد البوعزیزی جوان ۲۶ ساله دست‌فروش تونسی (حادثه‌ای که سرآغاز خیزش‌های مردمی در منطقه بود) نقش به‌سزایی در آغاز و گسترش موج بیداری اسلامی داشت. در واقع الجزیره با پوشش زنده تصاویر تظاهرات تونس ابزار مهمی در کشاندن ناآرامی‌ها به دیگر نقاط خاورمیانه و از جمله مصر بود.

پیرامون اهمیت شبکه‌ی خبری الجزیره، عبداله الخالق عبدالله، تحلیل گر اماراتی معتقد است در خلال بحران تونس و تظاهرات مردم مصر، الجزیره کنش گر مهمی بوده و اگر الجزیره نبود، جنبش مردمی به این قوت تحریک و تشویق نمی‌شد. همچنین، عبدالوهاب بدرخان تحلیل گر سیاسی لبنانی مقیم لندن، معتقد است پوشش خبری الجزیره باعث شد این شبکه در تونس از خیابان سبقت بگیرد و در قاهره، به تظاهرات کنندگان ملحق شود(غیاثوند،۱۳۹۱: ۲۲٤).

البته یکی از مشکلات در پوشش رسانه‌ای حوادث تونس این بود که دولت، خبرنگاران را از رفتن به شهر یا شهرهای محل اعتراض و تهیه گزارش و فیلم و عکس منع می‌کرد لذا آنچه از این شهرها بیرون می‌رفت صرفاً گفته‌های منابع غیررسمی و فیلم‌هایی غیرحرفه‌ای و از لحاظ فنی، نامناسب بود که به وسیله گوشی‌های موبایل ضبط شده و به سایت‌های اینترنتی از جمله یوتیوپ و فیس بوک و البته سایت‌های خبری محلی و مخالف دولت تونس راه یافته بودند. تشخیص صحت اظهارات منابع آگاه و این فیلم‌ها کاری بود که تنها از پس شبکه الجزیره بر آمد. این روند تا جایی ادامه یافت که خبرنگار الجزیره از تونس اخراج و دفتر آن تعطیل شد. با این حال، الجزیره به عنوان پیشرو رسانه‌ها، همچنان پای کار ماند و انقلاب تونسی‌ها را روی شبکه زنده نگه داشت و با در اختیار داشتن خبرنگاران زبده و آگاه به شرایط تونس همچنان به پوشش این حوادث پرداخت. همین پوشش رسانه‌ای کم کم دیگر رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های عربی و فرانسوی را به صورت محدود اما روبه رشد وارد این ماجرا کرد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

تا آنها نیز به انتشار فیلم‌های موبایلی اعتراضات خیابانی مردم در شهرهای مختلف تونس بپردازند. این پوشش رسانه‌ای علاوه بر آگاه کردن مخاطبان رسانه‌ها در کشورهای مختلف، مردم شهرهای تونس را از حجم اتفاقاتی که در کشورشان رخ می‌داد آگاه می‌کرد تا تبلیغات دولتی که معترضان را گروهی کوچک، تروریست و اغتشاشگر می‌دانست باور نکنند.

همچنین نه تنها شبکه‌های دولتی تونس به پوشش این اتفاقات نمی‌پرداختند بلکه همانطور که گفته شد دیگر شبکه‌های تلویزیونی همسایه و حتی فرانسوی هم از چنین کاری خودداری می‌کردند و مقامات کشورهای اروپایی و آمریکایی هم درباره نقص فاحش حقوق بشر و سرکوب معترضان در تونس، واکنش مناسبی از خود نشان ندادند. همین موضوع بارها با انتقاد گسترده فعالان حقوق بشر روبه رو شد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه‌گیری

نمی‌توان ادعا نمود که عامل اصلی انقلاب‌های ۲۰۱۱ به بعد در تونس، مصر، لیبی، بحرین و سایر نقاط خاورمیانه را اینترنت، موبایل و پایگاه‌های مجازی تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که این فقدان مشروعیت، زورگویی و بی‌رحمی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی است که باعث فروپاشی آن‌ها می‌شود. با وجود این شرایط است که رسانه‌ها می‌توانند بسیج عمومی را تقویت کرده و به رهبری و موفقیت جنبش‌ها کمک کنند. در حقیقت می‌توان گفت، اگر رسانه‌های نوین نبودند سرعت گسترش و پیروزی انقلاب‌های مورد مطالعه کند می‌شد و حتی صدای آن‌ها با این وضوح در دیگر کشورها شنیده نمی‌شد و هیچ‌گاه روند اعتراض پس از آغاز در تونس با این سرعت و زنجیره وار به دیگر کشورها نمی‌رسید و زمامدارانی چون بن‌علی، حسنی‌مبارک و قذافی سقوط نمی‌کرد و سران کشورهای یمن، اردن، بحرین، عربستان، الجزایر و عمان را نسبت به آینده خود تا این حد بدبین و مشوش نمی‌ساخت.

اکنون همهٔ دولت‌های دنیا، با قدرت‌نمایی بی‌سابقه رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه‌های نوین، ناگزیرند نسبت خود با رسانه را بازتعریف کنند و برای قوام و دوام نظامات سیاسی خویش، نگاهی تعاملی‌تر نسبت به رسانه داشته باشند، چه آنکه اگر تا دیروز رسانه به چهار عنوان روزنامه و دو خبرگزاری و یک شبکه رادیویی و تلویزیونی قابل کنترل و مهار محدود می‌شد، امروز هر شهروندی می‌تواند خبرنگار رسانه شخصی خود باشد و حتی مخاطبان میلیونی هم کسب کند. از این منظر و با توجه به پیشرفت سریع فناوری و تجاربی چون استفاده مخالفان از اینترنت چمدانی و موبایل‌های ماهواره‌ای و.... در انقلاب‌های مورد مطالعه، به نظر می‌رسد در آینده اقداماتی چون ایجاد محدودیت دسترسی به این رسانه‌ها مؤثر نباشد و استفاده از راهکارهای برنامه‌ریزی‌شده‌تر و دقیق‌تری چون مقابله به مثل نرم‌افزاری در محیط رسانه‌های نوین ضروری باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

آجیلی، هادی و بیکی، مهدی (۱۳۹۵). «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام گرای اخوان المسلمین تونس (النهضه)، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۸)، بهار، صص۲۸- ۲۱.

ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۰). «شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهوارهای در وقوع وتکوین انقلاب‌های عربی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ١٤، شماره ۲، تابستان، صص ۱۱۱-١٣٤.

امینی، آرمین؛ اکبری، مرتضی (۱۳۹۱). «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات غرب آسیا (خاورمیانه) مطالعه موردی مصر و تونس»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۲٦ – ۱۱۳.

بشیر، حسن علی و فردوسی، وحید (۱۳۹۲). «بازنمایی تحولات اخیر جهان اسلام در گفتمان شبکه پرس تی وی»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۷)، تابستان، صص ۲۹-۵۰.

بشیر، حسن و تفرجی، محمد تقی (۱۳۹۳). «بحران سازی رسانه‌ای در مدیریت جریان بیداری اسلامی بحرین»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ٤ (پیاپی ۱۳)، زمستان، صص ۱-۲۳.

پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه ا نقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ١٤، شماره ۲، تابستان، صص ١٦٠-١٩٨.

دهشیری، محمد رضا و مقامی، اسماعیل (١٣٩٤). «بیداری اسلامی و شکل گیری هندسه جدید خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ٤ (پیاپی ۱۷)، زمستان، صص۱۵۷-۱۷۷.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۳). «دنیای ارتباطات و آسیب‌های آن»، *ماهنامه جامعه سالم*، سال چهارم، شماره ۱۹، اسفندماه.

سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸). «اینترنت: جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها »، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ٤، زمستان، صص ۱۵۱-١٧٦.

سردارنیا، خلیل‌الله (١٣٨٦). «آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطی – اطلاعاتی»، *ماه نامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال بیست و دوم، شماره ٦-٥ (پیاپی ٢٤٦)، بهمن و اسفند، صص ١٠٤-١١٩.

شمس، عبدالمجید (١٣٨٤). *«دولت مجازی و سرنوشت مردم سالاری»، در توسعه سیاسی*، جلد دوم، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۱). «جایگاه رسانه‌های نوین در تحولات نوین جهان عرب»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی کرج*، تابستان، شماره ۱۹، صص ۲۰۵-۲۳۰.

ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۷). *جنگ نرم (۲) ویژه جنگ رسانه‌ای*، تهران: مئوسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

ضیایی پور، حمید (۱۳۸۸). «جنگ نرم سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی»، *فصلنامه رسانه*، سال بیستم،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شماره ۲.
غیبشاوی، رضا (۱۳۹۰). «انقلاب تونس؛ قیامی مدیون موبایل‌های دوربین دارو اینترنت»، *سایت اینترنتی عصر ایران*، مندرج در: http://www.asriran.com/fa/news/153114
قلی پور، مجتبی و شهریاری، حیدر (۱۳۹۲). «جامعه شناسی سیاسی موبایل: تأثیر تلفن همراه بر زندگی سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، بهار، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، صص ۹-۴۸.
قوانلو قاجار، مصطفی (۱۳۹۰). «کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دانشجویان؛ مطالعه موردی فیس بوک»، *همایش شبکه‌های اجتماعی مجازی وزندگی روزمره*.
کیا، علی اصغر و محمودی، عبدالصمد (۱۳۹۰). «نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس»، *ماه نامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، دوره جدید، شماره۲۸۳، بهار، صص۱۲-۲۱.
محمدی نجم، سیدحسین (۱۳۸۸). «نقش رسانه‌های جدید در شکل گیری افکار عمومی؛ بررسی موردی حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد۱۳۸۸ »، *فصلنامه علمی- تخصصی عملیات روانی*، سال ششم، شماره ۲٤، صص ۹٦-۱۰۸.
مرادی، حجتا... و بیات، مهدی (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها؛ مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.
مک کنزی، رابرت (۱۳۹۵). *انقلاب دیجیتالی*، ترجمه غلامرضا محمدنژاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
مک لوهان، مارشال (۱۳۷۷). *برای درک رسانه‌ها*، ترجمه سعید آذری، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی.
یزدانی، عنایت اله؛ ابراهیمی، طالب؛ سرداری، الهه و صفادل، راضیه (۱۳۹۱). «تأثیر جهانی شدن (در حوزه اطلاعات و ارتباطات) بر انقلاب مصر»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره ۳ (پیاپی ٤)، پاییز ، صص ٤١-٦١.
Anderson, N; Technica, A (2011). ''Tweeting Tyrants out of Tunisia: Global Internet at Its Best'', *Threat Level/ Wired*. January 14, Retrieved from: http://www.wired.com/threatlevel/2011/01/tunisia/ .
Breuer,Anita; Landman, Todd & Farquhar ,Dorothea(2014). Social Media and Protest Mobilization: Evidence from the Tunisian Revolution, *Democratization*, 22 (4). 764-792. ISSN 1743-890X.
Davies, Wyre (2010), ''Tunisia: President Zine al-Abidine Ben Ali Forced Out'', *BBC News-Africa*, December 15, Retrieved from:
http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-12195025.
Ferdinand, Peter (2000). *The Internet, Democracy & Democratication*, London, Frankcass Publlisher.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

Hallisso, Fadi (2011). ''The role of Internet and Social Networking in the Arab spring'', *Syrianaaa*. May, Retrieved from:

http://www.syrianaaa.com/2011/05/role-of-internet-and-socialnetworking.html.

Howard, Philip N.& Hussain Muzammil M.(2011). "The Role of Digital Media; The Upheavals in Egypt and Tunisia" , *Journal of Democracy*, Volume 22, Number 3, July, pp. 35-48.

Howard, Philip N. (2011), "The Arab Uprising's Cascading Effects", *Miller-McCune*. February 23. Retrieved from: http://www.millermccune.com/politics /the-cascading-effects-of-the-arab-spring-28575/ .

Locke , Trevor (1999). "Participation, net Acctivism" in Barry Hague, *Digital Democracy*, London, Routledge.

Norris, Pippa (2001). *Digital, Divide*, Cambridge, Cambridge University Press.

Rogers, Paul (2011). "Tunisia and the World: Roots of Turmoil", *Open Democracy*, January 24.Retrieved from: http://www.opendemocracy.net/paul-rogers/tunisia-and-world-roots-of-turmoil.

Taprial,Varinder & Kanwar, Priya (2011). *Understanding Social Media*, Publisher Bookboon.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۳

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

دارابی، علی (۱۳۹۵)، «رسانه‌های ارتباطی نوین و تأثیر آن بر فرایند بیداری اسلامی در انقلاب تونس»، فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۶، ش۲، تابستان ۹۵، صص ۸۰-۵۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]